

□ زنده‌یاد پروفیسور لورنس پیل الول - ساتن Lawrence Peter Elwell-Sutton (۱۹۱۲-۱۹۸۴ میلادی)، استاد فقید زبان و ادبیات فارسی و رییس بخش مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه ادینبورا Edinburgh مرکز ایالت اسکاتلند در شمال کشور انگلیس بود که من سال‌های پایانی عمر او را در ادینبورا دریافتم. شهر ادینبورا که فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها آن را ادینبورگ و عرب‌ها، ادینبورغ تلفظ و کتابت می‌کنند،

معروف او را (با عنوان آن عظمت که اسلام داشت، چاپ لندن، ۱۹۷۴) قبل از انقلاب در مجله‌ی وحید، مخصوصاً از جهت اظهارنظری که در خصوص امام دوازدهم شیعیان و نواب خاص او در آن کتاب کرده بود، نقد کردم.

هدف از مقاله‌ی حاضر، معرفی الول ساتن به مثابه‌ی یک تن از ایران‌شناسان متأخر انگلیسی و ذکر چند نکته‌ی ناشناخته از خدمت‌های او به ایران و ایران‌شناسی

الف - الول ساتن و نجات آذربایجان

الول ساتن که با فارسی و ترکی آشنایی داشت، در غائله‌ی تجزیه‌ی آذربایجان از سوی شوروی سابق، با جسارت تمام، در سمت «وابسته‌ی مطبوعاتی سفارت انگلیس»، ضمن خدمت مطبوعاتی بر ضد شوروی و عوامل آن در داخل ایران، شخصاً به آذربایجان و کردستان، یگه و تنه‌ها، بی‌محافظ و «بادی‌گارد» آمدوشد داشت و

پروفیسور الول ساتن

ایران شناس و ایران دوست



پروفیسور سیدحسین امین

جویای شناسایی و ارتباط با ایرانیانی بود که آماده‌ی مبارزه و جنگ چریکی با ادامه‌ی اشغال ایران از سوی شوروی سابق و یا به هر نوع دیگر مبارزه برای فروپاشی جمهوری‌های خلق‌الساعه آذربایجان و مهاباد باشند. رحیم زهتاب‌فرد (نماینده‌ی سابق مجلس شورای ملی از بناب و سپس تبریز) که در آن سال‌ها عضو شبکه‌ی جوانان «حزب اراده‌ی ملی» سیدضیاءالدین طباطبایی و بعدها مدیر روزنامه‌ی **اراده‌ی آذربایجان** بود، در خاطرات خود تصریح می‌کند که روزی در یکی از شهرهای آذربایجان به مرد لاغر اندام چشم‌آبی سفیدپوستی با موهای خرمایی‌رنگ کم‌پشت به‌نام الول ساتن برخورد می‌کند که با

است. الول ساتن پس از مونتگمری - وات، به ریاست بخش ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی دانشگاه ادینبورا رسید. نویسنده پس از ارتباطات مستمر و مفروضه و مناظره‌ی سالیان با او، او را انسانی معتدل و متعادل و در مسایل ایران و روابط ایران و انگلیس، پژوهشگری واقع‌بین و بی‌غرض شناختم و با آن که وی قبل از اشتغال به کار تمام‌وقت دانشگاهی مدتی وابسته‌ی مطبوعاتی سفارت انگلیس در تهران بوده است، او را ایران‌شناسی ایران دوست یافتم. چنان که مسلم است، وی در دو مقطع مهم سیاسی - هم‌زمان با خدمت به دولت متبوع خود، به ایران نیز خدمت کرده است:

یکی از زیباترین و بهترین شهرهای انگلیسی‌زبان جهان است و فستیوال هنر سالیانه آن در تابستان‌ها نیز معروف‌ترین فستیوال هنر جهان است. دانشگاه معروف و معتبر این شهر نیز از قدیم بخش عربی و فارسی و اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی فعالی داشته است. چنان که هم دانشجویان ایرانی زیادی مانند مرحوم دکتر احمد طاهری عراقی (۱۳۲۲-۱۳۷۰) و خانم دکتر منصوره نظام مافی (اتحادیه) در آن جا درس خواندند و هم استادان برجسته‌ای در اسلام‌شناسی در آن جا درس گفته‌اند که نامورترین ایشان ویلیام مونتگمری وات - W. Montgomery و Watt رییس پیشین بخش عربی و اسلام‌شناسی آن دانشگاه بود که من کتاب

آشنایی نسبی به زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی در آن اوضاع سخت به آن منطقه آمده و با او به صحبت نشست است و مهم‌تر آن که حتا به مجلس روضه‌ای هم رفته و در آن جا در برابر نقل روایتی از سوی واعظ محل، نتوانسته زبان خود را نگاه‌دارد و اعتراض خود را که هیچ بن‌مایه‌ی سیاسی



هم نداشته است با لهجه‌ی غلیظ انگلیسی به زبان ترکی به آن واعظ وارد کرده و در عین حال از حریم اسلام و تشیع دفاع کرده است. شاید در این‌جا نقل قسمتی از این خاطرات بی‌مناسبت نباشد.

زهتاب‌فرد در ذکر خاطرات خود در زمستان ۱۳۲۳ در شهر میانه نوشته است: «یک روز، یکی از ژاندارم‌ها اطلاع داد که آقای آمده و علاقه‌مند به ملاقات با شماست. گفتم: بفرمایند.

شخصی لاغراندام... ضمن ارائه‌ی کارت ویزیت، خود را با لهجه‌ی انگلیسی - ولی به زبان فارسی - اللول ساتن، دبیر اول سفارت انگلیس، معرفی کرد... ساتن گفت:

ببخشید امشب برنامه‌ی شما را به هم زدم و مزاحم شما شدم، من برای مطالعه و آشنایی با مردم و استان آذربایجان و کردستان، چند روزی است در این منطقه هستم و در تبریز شنیدم شما و دوستان‌تان در موضوع کمبود و نامرغوبی نان، همراه مردم آذربایجان از حقوق حقه‌ی خود دفاع و به صورت جمعی معترض شده‌اید، از این لحاظ، علاقه‌مند دیدار شما شدم... از من پرسید: اوقات خود را چه‌گونه می‌گذرانید؟ گفتم: این‌جا محل تفریح و گردشگاه و کلوپ و کتابخانه‌ی عمومی ندارد... به مطالعه پرداخته و در واقع خود را زندانی می‌کنم. خود مردم این‌جا نیز... عده‌ای در خانه‌ها جمع شده به قمار و مشروب‌خواری و کشیدن تریاک و دید و بازدید خانوادگی می‌پردازند و عده‌ای دیگر نیز در روضه و مجالس و محفل‌های مذهبی شرکت می‌کنند. ضمناً یکی دو رستوران هم هست... مردم در

آن‌جا به مشروب‌خواری و بازی تخته‌نرد و حتا ورق می‌پردازند... می‌توانیم غذا را در رستوران بخوریم... ساتن گفت: نه، در صورت موافقت شما، غذا در همین‌جا صرف شود و بعد از شام به مجلس روضه برویم... وقتی وارد شدیم، واعظی بالای منبر بود... وقتی واعظ از منبر پایین آمد و در کنار ریش‌سفیدان مجلس نشست، اتفاقاً درست بالادست ساتن قرار گرفت. پس از تعارفات مرسومه با اطرافیان خود - بدون این که متوجه شود، نفر پهلودستی‌شان اجنبی است، به زبان آذری پرسید: عرایضی که عرض شد ان شاءالله مورد قبول واقع شده است. ساتن بدون لحظه‌ای تأمل، با لهجه‌ی غلیظ انگلیسی به ترکی گفتند: ... اگر حضرت‌عالی

یک‌هزارم آن‌چه را که من کافر از علی (ع) می‌دانم، عنوان می‌فرمودید، هر کافر شنونده‌ای را مسلمان می‌کردید.»^۱

منوچهر فرمانفرمایان که من او را نیز مکرر دیده بودم، به من گفت که پس از تخلّف شوروی از تخلیه‌ی آذربایجان، سفارت انگلیس بین چریک‌ها اسلحه پخش می‌کرد. البته مسلم است که اللول ساتن و دیگر مأموران وظیفه‌شناس انگلیس (یا جاسوسان آلمان هم‌چون واسموس) در ایران (محل مأموریت خود) در مرحله‌ی نخست به خدمت به کشور متبوع خودشان مشغول بوده‌اند و دل‌شان به حال ما نمی‌سوخته است، اما بی‌شک در آن مقطع منافع ایران (حفظ تمامیت ارضی کشور) با منافع دولت‌های انگلیس و ایالات متحده آمریکا (جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران) هم‌خوانی و هم‌سویی کامل داشته است. افزون بر آن، برای ما ایرانیان که خود در حق خود گفته‌ایم:

روزی که شیپور عدو، آواز زیر و بم کند سردار اکرم رم کند، سردار افخم خم کند عبرت‌آموز است که یک مأمور وظیفه‌شناس انگلیسی در مقام اطاعت از دستور دولت متبوع خود در شرایط سخت پیش از شهریور ۱۳۲۰ در کشور ما ایران با پای پیاده از این روستا به آن روستا سفر می‌کرده و از این‌که هر لحظه در آن اوضاع خطرناک از سوی کسی یا گروهی گروگان گرفته شود، یا زندانی گردد، یا کشته شود، بیمی به خود راه نمی‌داده است! در حالی که خود ما ایرانیان با گرفتن اضافه‌حقوق برای بدی آب و هوا و مأموریت خارج از مرکز و استفاده از مزایای خداداده‌ای هم‌چون طبیعت دست‌نخورده یا نزدیکی به آثار باستانی، حاضر به خدمت در آن مناطق نبوده و نیستیم.

هر که نامُخت از گذشت روزگار می‌نیاموزد ز هیچ آموزگار نیز در همان اوان بود که اللول ساتن، ترجمه‌ی کتاب **مزرعه‌ی حیوانات** Animal Farm نوشته‌ی جورج اورول که انقلاب کمونیستی و وضع زندگی مردم شوروی را سخت محکوم کرده بود، برای ترجمه‌ی فارسی به علی جواهرکلام پیشنهاد کرد و البته این کار هم به پایان رسید.^۲

ب - الول ساتن و نهضت ملی کردن نفت

دومین خدمت الول ساتن به ایران، در مقطع نهضت ملی شدن نفت ایران به پیشنهاد شادروان دکتر حسین فاطمی و زیر نظر زنده یاد دکتر محمد مصدق بود که الول ساتن در کتاب **نفت ایران** Persian Oil به دفاع

از حقوق ایران پرداخت و در آن جا از حقوق کارگران ایرانی و بدی شرایط کاری و استخدامی و وضع محیط کار و مسکن آنان سخن گفت. الول ساتن، با نشان دادن آمار و ارقام، از بی عدالتی شرکت نفت ایران و انگلیس سخن راند و در مثل نشان داد که میزان مالیاتی که این شرکت به دولت انگلیس می دهد، بیست برابر وجه امتیازی است که به دولت ایران داده می شده و لذا او ایران را در ملی کردن نفت محق دانست و دولت انگلیس را در نپذیرفتن اصل ملی کردن صنعت نفت از سوی ایران به باد انتقاد گرفت و هم از جهت این که پس از پنجاه سال استفاده از نفت ایران، انگلیسی ها در تعلیم و تربیت کارگران ایرانی به عمد مسامحه روا داشته و به اصطلاح امروز برای «انتقال تکنولوژی» کمترین اقدامی نکرده بودند، از کشور خود انتقاد کرد. این دفاع جانانه از موضع ایران، در حالی است که بعضی ایرانیان (هم چون منوچهر فرمانفرمایان، ابراهیم صفایی، محمود طلوعی و...) ملی شدن نفت را اشتباه دانسته و هر کدام به نوعی به دکتر مصدق حمله کرده اند.

تألیفات الول ساتن

تألیفات الول ساتن را می توان به دو بخش تقسیم کرد:



از راست: حسن امین؛ الول ساتن؛ صبری تبریزی؛ بزرگ علوی

اول - تألیفاتی که با سیاست و تاریخ سیاسی ایران پیوندی دارد و آن ها عبارتند از:
۱- **نفت ایران** Persian Oil که چاپ اخیر آن در ۱۹۷۵ در امریکا در ۳۴۴ صفحه به طبع رسیده است و چاپ اول آن در ۱۹۵۵ درست پس از وقایع ۲۸ مرداد، به دفاع از حقوق از دست رفته ی ایران پرداخته است.

۲- **ایران نو** Modern Iran، چاپ ۱۹۴۱ در ۲۳۴ صفحه ی انگلیسی که به دست علی جواهر کلام در ۱۳۲۲ ترجمه و در روزنامه ی **رعد** به صورت سلسله مقاله منتشر شد. این کتاب شامل تاریخچه ی تلاش های رسمی دولت ایران در عصر رضاشاه برای نوسازی ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور به سلیقه ی مدرنیست های تجددگرای آن زمان، توأم با خلاصه ای از تاریخ ایران پس از اسلام است. به عقیده ی الول ساتن، ایران در ده ساله ی نوسازی اش در عهد رضاشاه بیش از چندین قرن عوض شد. در دو کتاب بالا، الول ساتن، از سویی رضاشاه پهلوی را برای خدماتش در ساختن «ایران نوین» و از سوی دیگر دکتر مصدق را برای خدماتش در جهت احقاق حقوق ملت ایران و کارگران ایرانی می ستاید.

دوم - کتاب ها و آثار الول ساتن در آفاق زبان و ادب فارسی است که عبارتند از:

۱- **راهنمای شناسایی ایران** Guide to Iranian Area Study چاپ ۱۹۸۱

شامل مقالات و کتاب هایی که درباره ی ایران شناسی مفید تواند بود.

۲- **راهنمای کتاب شناسانه ایران** Bibliographical Guide to Iran این کتاب آخرین تألیفات الول ساتن است و در ۱۹۸۳ هم زمان در انگلستان و ایالات متحده امریکا منتشر شد. در این کتاب، بعضی از تألیفات

صاحب این قلم نیز معرفی شده است. اگرچه این کتاب نه مانع است و نه جامع، باز هم برای هر ایران شناس ابزار مطالعه ی مفیدی در جهت معرفی منابع مناسب در زمینه های مختلف ایران شناسی است.

۳- **اسطرلاب اسدالله میرزا؛** اسطرلابی از قرن نوزدهم میلادی The Horoscope of Asadullah چاپ ۱۹۷۷.

۴- **دستور زبان فارسی ساده** Persian Grammer چاپ ۱۹۶۳.

۵- **فارسی محاوره ای** Colloquial Persian چاپ ۱۹۴۱.

۶- **اوزان شعر فارسی** Persian Metres چاپ ۱۹۷۶.

۷- **ضرب المثل های فارسی** Persian Proverbs.

در این جا شاید بی مناسبت نباشد که بگویم الول ساتن در تکمیل بخش فارسی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه ادینبورا بسیار مؤثر بود و افزون بر آن تمام نسخه های خطی فارسی مهم موجود در کتابخانه های ایالت اسکاتلند را فهرست نگاری کرد که بخشی از آن ها به صورت مقاله در مجله **راهنمای کتاب** چاپ شد.

ترجمه ها

الول ساتن چند کتاب نثر فارسی معاصر را نیز به انگلیسی ترجمه کرده است که از

جمله‌ی آن‌ها در این مقاله به سه کتاب اشاره می‌شود:

- ۱- پیامبر، تألیف زین‌العابدین رهنما.
- ۲- دمی با خیام، تألیف علی دشتی.
- ۳- قصه‌های مشدی گلین خانم.

شاید از همه‌ی آثار الول ساتن، گردآوری یک‌صد و ده قصه‌ی عامیانه‌ی فارسی به روایت مشدی گلین‌خانم در تهران، از همه مهم‌تر باشد. الول ساتن به این زن سال‌خورده‌ی ایرانی که از منسوبان دور علی جواهرکلام بود، پیشنهاد کرد که داستان‌های عامیانه‌ی فارسی کهنی که سینه‌به‌سینه به او رسیده است، نقل کند تا الول ساتن آن‌ها را بنویسد، ضبط کند و بعد چاپ کند. البته الول ساتن، بسیاری از این اصطلاحات را نمی‌فهمید و فرید جواهرکلام

آن‌ها را برای او ترجمه می‌کرد. اما سرانجام، این الول ساتن بود که با صرف یک‌سال از عمر خود در ایران، گنجینه‌ای از ادبیات کوچه و فرهنگ عامیانه‌ی فارسی را از ضیاع نجات داد و آن‌ها را با عنوان **افسانه‌های ایرانی** Persian Tales به انگلیسی ترجمه کرد.^۳

مقالات

از الول ساتن قریب یک‌صد مقاله‌ی مختلف نشر شده است. از جمله مقاله‌ای چند در

دایره‌المعارف اسلام (چاپ دوم) و نیز در دایره‌المعارف ایرانیکا (چاپ امریکا) از او دیده می‌شود. به‌علاوه در کتاب‌هایی چند که به‌صورت «مجموعه‌ی مقالات» منتشر شده است، او نیز مقاله دارد و نمونه‌ی آن کتاب **ایران و اسلام** Iran & Islam چاپ ۱۹۷۱ از انتشارات دانشگاه ادینبورا است که به‌عنوان یادنامه‌ی مینورسکی Vladimir Vladimirovich Minorsky چاپ شده است. در نشریات ادواری نیز، از او مقالاتی در دست است که نمونه‌ی آن‌ها مقاله‌هایی است که در باب

«تاریخ مطبوعاتی در ایران» در مجله‌ی **ایران** IRAN (ارگان انجمن ایران‌شناسی انگلستان) نوشته است و نیز مقالاتی چند در مجله‌ی **راهنمای کتاب** و غیره در ایران.

در سال‌های اخیر نشر کتاب مجعول «تحفه حافظ» (پنجاه غزل حافظ) به‌نام مستعار یا مفروض «فقیر صاحب علو» (؟) در لندن در ۱۳۷۴ موضوع بحث مقاله‌ای چند در مجله‌های ادبی درون‌مرزی و برون‌مرزی شد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها دو مقاله‌ی زیر بود:

الف - مقاله‌ای به‌قلم کریم امامی در ماهنامه‌ی **کلک** (شماره‌ی بهمن و اسفند ۱۳۷۴)، چاپ تهران.

ب - مقاله‌ای به‌قلم دکتر جلال متینی در فصل‌نامه‌ی **ایران‌شناسی** (شماره‌ی پاییز ۱۳۵۷) چاپ امریکا. این مقالات ثابت

کرد که سی سال

پیش از آن، یعنی

در ۱۹۶۷ میلادی،

الول ساتن در پی

انتشار ترجمه‌ی

انگلیسی تازه‌ای از

رباعیات خیام،

مجعول بودن منبع

آن ترجمه‌ی

جدید را بر کرسی

اثبات نشانده بود.^۴

چنان‌که این

کشف عالمانه‌ی

الول ساتن، در

مقاله‌ای به‌قلم

اسکات جرمین

Scott Jer-myn

(ترجمه‌ی حسن لاهوتی) تأکید و تأیید شده است.^۵

دانشگاه ادینبورا به‌منظور قدردانی از خدمات الول ساتن به‌مناسبت هفتاد سالگی‌اش در ۱۹۸۲ و نیز با توجه به تخصص او در زمینه‌ی تاریخ اجتماعی و ادبی عصر قاجار، مجموعه‌ی مقالاتی به‌انگلیسی با عنوان «ایران عصر قاجار» Qajar Iran برای او منتشر کرد. دکتر محمدابراهیم باستانی‌پاریزی نیز به دعوت آن دانشگاه، مقاله‌ی بسیار مفصل

«سوداگران آبنوس» را به‌فارسی نوشت که بعدها در کتاب **هشت‌الهیفت** خود او در ایران به‌فارسی چاپ شد. دکتر باستانی‌پاریزی در آن کتاب الول ساتن را «یکی از مطلعین بزرگ اوضاع اجتماعی صدساله‌ی اخیر تاریخ ایران» معرفی کرده است.^۶

ایرج افشار نیز مکرر از الول ساتن در مجله‌ی **آینده** به‌نیکی یاد کرده است. دیگر ایرانیانی که از الول ساتن سخن گفته‌اند، عبارتند از: بزرگ علوی و صادق چوبک که هر دو پیش از شهریور ۱۳۲۰ زیر نظر الول ساتن به سخن‌پراکنی و نگارش علیه آلمانی‌ها استخدام شده بودند و فرید جواهرکلام (فرزند مرحوم علی جواهرکلام) که از مصاحبت‌های الول ساتن و پدرش و پیشنهادهای الول ساتن برای مبارزه‌ی فرهنگی با کمونیسم در ایران طی مقالاتی در مجله‌ی **بخارا** سخن گفته‌اند.

اما چنان‌که گفته شد مهم‌ترین کار الول ساتن گردآوری یک‌صد و ده قصه‌ی عامیانه‌ی ایرانی بود، یعنی ضبط بخش مهمی از ادبیات فولکلوریک ایران که اگر هم‌ت الول ساتن نبود، با نفوذ رسانه‌های عمومی و یک‌سان‌شدن فزاینده‌ی زبان فارسی، از شکل اصیل خود به‌کلی خارج می‌شد و از دست می‌رفت. اما الول ساتن آن‌ها را با زحمت و مزارت گردآورد، به‌انگلیسی ترجمه کرد و ما امروز تازه به فکر افتاده‌ایم که آن‌ها را از انگلیسی به فارسی ترجمه کنیم. اما دریغ که ترجمه‌ی امروزین دیگر ضبط اصیل فارسی این بخش از فرهنگ موروث ما نخواهد بود. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- زهتاب‌فرد، رحیم، **خاطرات در خاطرات**، تهران، انتشاراتی ویستار، ۱۳۷۳، صص ۸۷-۹۱-۲- جواهرکلام، فرید، **خاطرات علی جواهرکلام**، صص ۸۳-۸۴-۳- هم‌او، همان‌جا، صص ۸۶-۸۷-۴- امامی، کریم، **کلک**، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، ص ۱۹۳-۵- جرمین، اسکات، «معمای خیام»، ترجمه‌ی حسن لاهوتی، فصل‌نامه‌ی **متوجم**، بهار و تابستان ۱۳۷۴، صص ۴۸-۶۲، ص ۶۰-۶- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، **هشت‌الهیفت**، تهران، انتشارات ارغوان، ۱۳۷۷، ص ۴۳۱+امین، سیدحسین، «لورنس الول ساتن»، **آینه‌ی پژوهش**، شماره‌ی ۷۵، صص ۱۴۰-۱۴۲.

